کیهان

سه‌شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۵ □ ۲۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ □ ۳ نوامبر ۲۰۲۶ □ شماره ۲۴۲۷۷

صفحه ۸

اذان ظهر: ۱۱/۴۸، اذان مغرب: ۱۷/۲۶، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۰۶، اذان صبح(فردا): ۵/۰۴، طلوع آفتاب(فردا):۶/۲۹

تظاهرات مردم دانمارک علیه رژیم صهیونیستی با پرچم‌های ایران و فلسطین

مردم دانمارک در حمایت از ملت مظلوم فلسطین و در محکومیت نسل‌کشی مردم غزه از سوی رژیم صهیونیستی در کپنهاگ پایتخت این کشور با پرچم‌های ایران و فلسطین تظاهرات کردند.

بر اساس گزارش‌ها، تصاویر و ویدئوهای منتشر شده در این تجمعات از همان ابتدا پرچم‌های جمهوری اسلامی ایران هم توسط خود دانمارکی‌ها و برخی از ایرانی‌های عزیز برافراشته شده بود که بخشی از جریان سلطنت‌طلب و یک گروه مجزا از منافقین سعی کردند با ایجاد درگیری جلوی این کار را بگیرند که طبق گفته یکی از حاضران در این تجمعات چند نفر از آن‌ها دستگیر شده‌اند. در انگلیس دیگر کشور اروپایی هم دولت فشار بر حامیان فلسطین را روز به روز بیشتر می‌کند. خبرگزاری فرانسه در این زمینه نوشته است پلیس انگلیس روز یکشنبه اعلام کرد که در جریان تظاهراتی که در لندن در حمایت از گروه «اقدام برای فلسطین» برگزار شد، ۳۲۵ نفر را بازداشت کرده است.

ادامه راهپیمایی‌ها در عراق علیه مسدود ماندن گذرگاه چذابه

خبرها حاکی از ادامه تظاهرات مردم عراق در اعتراض به بستن گذرگاه چذابه با ایران است.

رانندگان کامیون‌های عراقی بار دیگر در برابر گذرگاه الشیب (سمت گذرگاه چذابه ایران) در اعتراض به ادامه بسته شدن این گذرگاه مهم با جمهوری اسلامی ایران تظاهرات کردند. اعضای شورای استان میسان اخیراً در یک کنفرانس مطبوعاتی هشدار دادند که بستن گذرگاه الشیب سبب خشم مردم عراق شده است و پیامدهای اقتصادی نیز به‌همراه دارد. آنان با ضروری خواندن بازگشایی گذرگاه مرزی تأکید کردند که بسته‌شدن گذرگاه الشیب باعث ایجاد موجی از خشم عمومی است. خبر دیگر آن‌که یک منبع امنیتی در استان الانبار عراق اعلام کرد که هشدارهایی در خصوص استفاده تروریست‌ها از تونل‌های مخفی در عمق سوریه تا غرب الانبار دریافت شده است. وی اضافه کرد که فرماندهان امنیتی مشرف بر تحولات بخش غربی استان الانبار هشدار داده‌اند که عناصر تروریست با استفاده از این تونل‌ها خود را از سوریه به غرب استان و دیگر مناطق عراق می‌رسانند.

نگاه

تحول تاریخی مشارکت احزاب عرب در سرزمین‌های اشغالی تاریخ چگونه رأی داد؟

مشارکت انتخاباتی شهروندان عرب اسرائیل (فلسطینیان ۱۹۴۸) را نمی‌توان صرفاً یک متغیر رفتاری مقطعی در جریان سیاسی دانست. این مشارکت، محصول روند تاریخی از مدیریت اقلیت است که از ۱۹۴۸ با حکومت نظامی آغاز شد. داده‌های تاریخی نشان می‌دهند که مشارکت عرب‌ها در دو دهۀ نخست پس از تأسیس کشور جعلی اسرائیل و آغاز اشغالگری، نه تنها پایین نبود بلکه در بسیاری از موارد از میانگین ملی نیز فراتر می‌رفت؛ اما این مشارکت بالا به نوعی در غیاب نمایندگی ایدئولوژیک رخ می‌داد. در دو دهۀ گذشته، این معادلۀ معکوس شد. همه جریان‌های ایدئولوژیک عرب در کنست حضور می‌یافتند، اما مشارکت به‌شدت کاهش می‌یافت. انتخابات ۲۰۲۶ کنست، با جهش مشارکت به حدود ۸۰ درصد و کسب ۱۹ کرسی توسط عرب‌ها (رکورد تاریخی) این معادله را بار دیگر دگرگون کرد و احزاب عربی از یک عامل مشروعیت‌بخش به نقطۀ وتوی بالقوه در معادلات تشکیل دولت ارتقا یافتند. به نظر مشارکت انتخاباتی امروز عرب‌های اسرائیل نه گسست از تاریخ، بلکه تابعی از همان منطق تاریخی مبادلۀ مشروط وفاداری انتخاباتی با به رسمیت‌شناسی حقوقی است که از دوران حکومت نظامی تا امروز تداوم یافته و ادامه دارد.

مسئله تاریخی مشارکت اقلیت

شهروندان عرب کشور غاصب اسرائیل که امروز حدود ۲۰ تا ۲۱ درصد جمعیت مناطق تحت اشغال رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهند، از نخستین انتخابات کنست در ۱۹۴۹ در حیات انتخاباتی اسرائیل مشارکت کرده‌اند. با این حال این مشارکت عرب‌ها، بیشتر رأی دادن را به مثابه تأیید مشروعیت دولت اسرائیل و دموکراتیک جلوه دادن آن نشان می‌دهد. نکته قابل توجه آن است که هرگاه دولت در دسترسی اقلیت به منابع گشایش ایجاد کرده یا وانمود به این کار کرده، مشارکت افزایش یافته است؛ و هرگاه سیاست‌های دولتی به انسداد یا خشونت انجامیده، مشارکت کاهش یافته یا به سمت اشکال دیگر کنش سیاسی چرخیده است. بنابراین آنچه در ۲۰۲۶ رخ داد، نه یک حضور دموکراتیک، بلکه فعال شدن همین مکانیسم در وضعیتی است که احزاب عربی توانسته‌اند رأی منفی را به وزنۀ تعیین‌کننده تبدیل کنند.

دورۀ حکومت نظامی و فهرست‌های وابسته؛ مشارکت بالا، نمایندگی صفر (۱۹۴۸-۱۹۶۶)

پس از ۱۹۴۸، دولت اسرائیل بر فلسطینی‌هایی که در قلمرو این دولت باقی مانده بودند، یک نظام شبیه به حکومت نظامی تحمیل کرد که تا ۱۹۶۶ ادامه یافت. این نظام، آزادی حرکت، معیشت و بیان شهروندان عرب را به‌شدت محدود می‌کرد. در عین حال، شهروندان عرب حق رأی داشتند و در انتخابات کنست شرکت می‌کردند. رژیم حاکم به‌جای سرکوب کامل مشارکت، شبکه‌ای از فهرست‌های عربی وابسته را ایجاد کرد که رهبران خاندان‌ها، فرقه‌ها و مناطق را گرد هم می‌آورد و از سوی حزب حاکم ماپای حمایت می‌شد. نتیجۀ پارادوکسیکال این ترتیب نهادی، آن بود که مشارکت عرب‌ها در انتخابات نخستین کنست، نه تنها پایین نبود، بلکه در موارد متعددی از میانگین ملی نیز فراتر رفت.

بر اساس داده‌های تاریخی و بنابر ادعای بنیامین نویمبرگر، مشارکت عرب‌ها در انتخابات ۱۹۴۹ حدود ۶۹ درصد، در ۱۹۵۱ به ۸۵.۵ درصد، در ۱۹۵۵ به ۹۱ درصد و در ۱۹۵۹ به ۸۸.۹ درصد رسید، در حالی که میانگین ملی در همان سال‌ها به‌ترتیب ۸۶.۹، ۷۵.۱، ۸۲.۸ و ۸۱.۶ درصد بود. رادنیتزکی متخصص مطالعات جنوب غرب آسیا «خاورمیانه» که به تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه عرب اسرائیل می‌پردازد، این دوره را با این تناقض مشخص می‌کند که «در دو دهۀ نخست پس از تأسیس دولت، همۀ جریان‌های ایدئولوژیک در کنست نمایندگی نداشتند، اما مشارکت عرب‌ها بالاتر از مشارکتِ سراسری بود.» اما این مشارکت بالا را نباید به معنای رضایت یا ادغام سیاسی واقعی تفسیر کرد. رأی‌دهی توده‌ای عرب‌ها در این دوره بیشتر تابعی از ساختار خانوادگی فهرست‌های وابسته و فشار غیررسمی حکومت نظامی بود تا بیان نگاه‌های ایدئولوژیک مستقل. به نوعی شهروند در این چارچوب، شهروندی بود که حق رای داشت، اما فضای سیاسی مستقل برای سازمان‌دهی ایدئولوژیک و طرح مطالبات جامعه عرب نداشت.

از پایان حکومت نظامی تا هبۀ‌الاقصی؛ ظهور احزاب مستقل و نزول تدریجی مشارکت (۱۹۶۶-۲۰۰۰)

پایان حکومت نظامی در ۱۹۶۶ فضای سیاسی جدیدی گشود. احزاب مستقل عربی به‌ویژه حزب کمونیست اسرائیل (ماکی راکاح) و بعدها جبهۀ دموکراتیک برای صلح و برابری(هداش) به تدریج به بازیگران اصلی نمایندگی سیاسی عرب‌ها بدل شدند. با این حال گذار از فهرست‌های وابسته به احزاب مستقل با کاهش تدریجی مشارکت همراه بود. داده‌ها نشان می‌دهند که مشارکت عرب‌ها از ۸۲ درصد در ۱۹۶۹ به ۸۰ درصد در ۱۹۷۳، ۷۵ درصد در ۱۹۷۷ و ۶۹.۷ درصد در ۱۹۸۱ افت کرد. این افت را نمی‌توان صرفاً نتیجه بی‌علاقگی یا بایکوت دانست؛ بلکه بازتاب شکل‌گیری یک آگاهی سیاسی متمایز بود که در آن رأی‌دهی به احزاب صهیونیستی سنتی که پیش‌تر کانال اصلی دسترسی به منابع بودند دیگر مطلوب نبود. نقاط عطف خشونت‌بار و رویدادهای سیاسی فرامرزی نقش تعیین‌کننده‌ای در نوسان مشارکت داشتند.

پس از «روز زمین» در ۱۹۷۶، مشارکت از ۸۲ درصد (۱۹۶۹) به ۶۹.۷ درصد (۱۹۸۱) سقوط کرد. در دهۀ ۱۹۹۰، همزمان با فرآیند اسلو و انتفاضۀ اول، مشارکت موقتاً به میانگین حدود ۷۵ درصد بازگشت. اما پس از انتفاضۀ الاقصی در ۲۰۰۰ و کشته شدن ۱۳ شهروند عرب در درگیری‌های اکتبر با پلیس، مشارکت به شدت فرو ریخت. در انتخابات مستقیم نخست‌وزیری در ۲۰۰۱، مشارکت عرب‌ها به ۱۸ تا ۱۹ درصد سقوط کرد. یک وتوی آشکار، توسط عرب‌ها علیه ایهود باراک. این تأثیرگذاری هنوز عمدتاً از نوع منفی بود. اقلیت عرب می‌توانست با عدم مشارکت، مشروعیت رقیب را خدشه‌دار کند، اما نمی‌توانست به‌طور پایدار به ائتلاف حاکم وارد شود یا سیاست‌های کلان را تغییر دهد. همزمان شکاف نمایندگی نیز آشکارتر شده بود. در حالی که همۀ جریان‌های ایدئولوژیک عرب در کنست حضور یافتند، مشارکت عرب‌ها به‌طور بی‌سابقه‌ای پایین‌تر از میانگین ملی قرار گرفت.

تداوم منطق تاریخی در لباس جدید

تحول مشارکت انتخاباتی عرب‌های دولت غاصب اسرائیل از ۱۹۴۹ تا ۲۰۲۶ را می‌توان به صورت یک چرخۀ شهروندی مشروط صورت‌بندی کرد. در دورۀ حکومت نظامی، مشارکت بالا با نمایندگی صفر همراه بود، زیرا رأی در چارچوب فهرست‌های وابسته و تحت نظارت حکومت نظامی بیان می‌شد. در دورۀ گذار(۱۹۶۶-۲۰۰۰) مشارکت کاهش یافت اما نمایندگی ایدئولوژیک افزایش یافت؛ اقلیت توانست صدای خود را در کنست بشنود، اما نتوانست آن را به نفوذ تبدیل کند. در دورۀ نوسان (۲۰۰۳-۲۰۲۲)، مشارکت تابعی از چرخۀ اتحاد و تشتت احزاب و سیگنال‌های طرد یا گشایش دولت بود. و در ۲۰۲۶، مشارکت بی‌سابقه و کسب ۱۹ کرسی، اگرچه یک پیروزی انتخاباتی است، اما در چارچوب همان منطق تاریخی عمل می‌کند. تجربۀ ورود حزب رعم به ائتلاف بنت_لاپید در ۲۰۲۱ (نخستین حزب مستقل عربی که به ائتلاف حاکم پیوست) اگرچه دستاوردهای مالی و نهادی داشت، اما با فروپاشی دولت و انتقاد گسترده فلسطینیان همراه شد. این تجربه نشان داد که «قدرت مثبت ائتلاف‌سازی» برای احزاب عربی در ساختار سیاسی اسرائیل به‌شدت محدود است. بنابراین در ۲۰۲۶، احزاب عربی به‌جای پیگیری ورود به دولت، بر قدرت منفی وتو متمرکز شدند. یعنی استفاده از کرسی‌ها برای مسدود کردن مسیر نتانیاهو به نخست‌وزیری، بدون پذیرش مسئولیت حکومتی. بنابراین، مشارکت امروز اعراب اسرائیل نه یک گسست دموکراتیک از گذشته، بلکه تداوم همان مبادلۀ مشروط است که از دوران حکومت نظامی آغاز شد. یعنی مشارکت در ازای به‌رسمیت‌شناسی حداقلی و دسترسی به منابع. تفاوت اصلی در این است که در ۲۰۲۶، اقلیت توانست هزینه سیاسی نادیده گرفته شدن را برای جریان اصلی رژیم صهیونیستی به‌طور بی‌سابقه‌ای بالا ببرد. اما این هزینه‌سازی، هنوز به قدرت تأسیسی تبدیل نشده است.

حمیدرضا فرخی نژاد

نظرسنجی‌ها درباره انتخابات آمریکا چه می‌گویند؟

ترامپ انتخابات را به ایران می‌بازد نه دموکرات‌ها



سرویس خارجی-

امروز انتخابات میان‌دوره‌ای کنگرۀ آمریکا در حالی برگزار می‌شود که گزارش‌ها و نظرسنجی‌ها پیش‌بینی می‌کنند که، جمهوری‌خواهان هر دو مجلس نمایندگان و سنا را از دست خواهند داد و دلیل این شکست تاریخی نیز، مشکلات معیشتی ناشی از جنگ افروزی علیه ایران و بسته شدن تنگه هرمز است به‌دست نیروهای مسلح ایران است. در واقع این ایران است که جدای از آوردگاه نظامی طعم شکستی دیگر را به رئیس‌جمهور آمریکا این بار در آوردگاه انتخابات کنگره تحمیل می‌کند.

انتخابات میان‌دوره‌ای کنگرۀ آمریکا امروز ۳ نوامبر (۱۲ آبان) قرار است برگزار شود. کنگره آمریکا از دو مجلس تشکیل شده است. اعضای مجلس نمایندگان برای دوره‌های دوساله انتخاب می‌شوند و هر دو سال تمام کرسی‌های آن به رأی گذاشته می‌شود. در مقابل، سناتورها دوره‌های شش‌ساله دارند و انتخابات سنا به‌صورت چرخشی برگزار می‌شود؛ بنابراین در هر انتخابات میان‌دوره‌ای تنها یک‌سوم کرسی‌های سنا تغییر می‌کند. در این انتخابات، تمام ۴۳۵ کرسی مجلس نمایندگان و ۳۵ کرسی از مجموع ۱۰۰ کرسی سنا در معرض رقابت قرار دارد. از کرسی‌های سنا، ۳۳ کرسی مربوط به دوره عادی انتخابات و دو کرسی مربوط به انتخابات ویژه در فلوریدا و اوهایو است که صندلی‌های آنها به دلایل دیگری در طول دو سال گذشته خالی شده است. همزمان با انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، انتخابات فرمانداری‌ها نیز در ۳۶ ایالت آمریکا برگزار می‌شود؛ رقابت‌هایی که در ۱۸ ایالت، فرمانداری‌های تحت کنترل دموکرات‌ها و در ۱۸ ایالت دیگر، فرمانداری‌های جمهوری‌خواهان را در معرض رأی مردم قرار می‌دهد. این انتخابات، در کنار رقابت‌های کنگره و مجالس قانون‌گذاری ایالتی، می‌تواند بر توازن قدرت دو حزب در سطوح فدرال و ایالتی تأثیر بگذارد.

رفراندومی دربارۀ ترامپ

گاهی به اشتباه تصور می‌شود که انتخابات «میان‌دوره‌ای» به مفهوم پر کردن کرسی‌های خالی در این دو مجلس است. در حالی که به این انتخابات از آن جهت میان‌دوره‌ای گفته می‌شود که در میانۀ دورۀ ریاست جمهوری، رئیس‌جمهور مستقر(دونالد ترامپ) و حزب حاکم جمهوریخواه برگزار می‌شود و به همین دلیل به نوعی رفراندم درباره عملکرد سیاست داخلی(اقتصاد، مهاجرت، نظام سلامت و هزینه بیمه درمانی) و سیاست خارجی(جنگ ایران، روابط با متحدان، جنگ اوکراین، ناتو و...) دونالد ترامپ محسوب می‌شود. از سوی دیگر این انتخابات وضعیت دو سال پایانی دولت مستقر را مشخص می‌کند و نشان می‌دهد ترامپ رئیس‌جمهور کنونی تا چه اندازه در همراه کردن کنگره با سیاست‌های داخلی و خارجی خود در دو سال آینده اختیار خواهد داشت.

روزنامه گاردین در گزارشی با اشاره به انتخابات میان‌دوره‌ای ۳ نوامبر (۱۲ آبان) نوشته است تصمیم دونالد ترامپ برای گره زدن سرنوشت نامزدهای جمهوری‌خواه به عملکرد شخصی خود، این انتخابات را به همه‌پرسی درباره دوره دوم ریاست‌جمهوری او تبدیل کرده است؛ همه‌پرسی که نظرسنجی‌ها از احتمال شکست سنگین حزب جمهوری‌خواه در آن حکایت دارند. بر اساس این گزارش ترامپ که در گردهمایی تابستانی جمهوری‌خواهان از نامزدها خواسته بود تصور کنند نام او نیز در برگه رأی قرار دارد، اکنون با مجموعه‌ای از نارضایتی‌ها روبه‌روست. به گزارش گاردین افزایش هزینه‌های زندگی، رشد قیمت سوخت و مواد غذایی، جنگ هشت‌ماهه با ایران، تعرفه‌های گسترده تجاری و عمل نکردن به وعده‌های انتخاباتی، بخشی از عواملی هستند که حمایت از رئیس‌جمهور آمریکا را کاهش داده‌اند. علاوه‌بر فشار اقتصادی، اتهام‌های مربوط به فساد و استفاده شخصی از جایگاه ریاست‌جمهوری نیز به اعتبار ترامپ آسیب زده است. ساخت تالار ۴۰۰ میلیون دلاری در کاخ سفید، تخریب بال شرقی این ساختمان و افزایش چشمگیر ثروت شخصی او از جمله موضوعاتی است که انتقادها را تشدید کرده است.

نظرسنجی‌ها چه می‌گویند؟

بر اساس آخرین نظرسنجی‌ها به نظر می‌رسد که دموکرات‌ها قادر خواهند بود هر دو مجلس سنا و نمایندگان را تصاحب کرده و از کنترل جمهوری خواهان خارج کنند. طبق آخرین برآورد فاکس‌نیوز (رسانۀ حامی ترامپ) از انتخابات میان‌دوره‌ای، انتظار می‌رود که هم‌حزبی‌های ترامپ اکثریتِ هر دو مجلس را از دست بدهند. به گزارش فارس فاکس‌نیوز پیش‌بینی کرده است که دموکرات‌ها دست‌کم ۲۲۳ کرسی و جمهوری‌خواهان ۱۹۵ کرسی مجلس نمایندگان آمریکا را به‌دست آورند، در حالی که دو حزب برای ۱۷ کرسی دیگر رقابت نزدیکی دارند. طبق این گزارش، در سنای آمریکا نیز کسب ۴۸ کرسی برای دموکرات‌ها و ۴۵ کرسی برای جمهوری‌خواهان قابل پیش‌بینی است، در حالی که رقابت‌ها برای ۷ کرسی دیگر ادامه دارد. طبق برآورد سی‌ان‌ان هم انتظار می‌رود که دموکرات‌ها ۲۳۷ و جمهوری‌خواهان ۱۹۸ کرسی مجلس نمایندگان آمریکا را به‌دست آورند. علاوه‌بر این، پیش‌بینی می‌شود که در مجلس سنای آمریکا، دموکرات‌ها ۵۲ و جمهوری‌خواهان ۴۸ کرسی را به‌دست آورند. از سوی دیگر بر اساس یک نظرسنجی جدید، نامزدهای دموکرات در هفت رقابت انتخاباتی سنا که از حساسیت بالایی برخوردارند، از رقبای جمهوری‌خواه خود پیش افتاده‌اند. نتایج نظرسنجی مشترک روزنامه نیویورک‌تایمز و دانشگاه سینا که دیروز منتشر شد، نشان می‌دهد دموکرات‌ها در رقابت ایالت میشیگان ۱۱ درصد، تگزاس ۷ درصد، مین ۶ درصد، کانزاس و اوهایو هر کدام ۵ درصد، آلاسکا دو درصد و آیووا یک درصد از جمهوری‌خواهان پیش هستند.

آقای وتو!

بسیاری از گزارش‌ها در رسانه‌های غربی حاکی است که ترامپ شکست را پیشاپیش پذیرفته و خود را برای ۲ سال بدون کنگرۀ هم سو آماده می‌کند. به نوشته رویترز کاخ سفید از ماه‌ها پیش خود را برای احتمال از دست رفتن اکثریت جمهوری‌خواهان در کنگره آماده کرده و در حال تدوین برنامه‌هایی است که به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، امکان می‌دهد حتی در صورت پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات ۳ نوامبر(۱۲ آبان)، بخش عمده سیاست‌های خود را ادامه دهد. خود ترامپ هم روز یکشنبه تأکید کرد که در صورت عدم پیروزی جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای، مصوبه‌های کنگره را وتو خواهد کرد. رئیس‌جمهور آمریکا در مصاحبه با فاکس‌نیوز گفت: «اگر جمهوری خواهان در انتخابات شکست بخورند، من به آقای وتو تبدیل می‌شوم. در ادامه، احتمالاً در مقطعی توافق‌هایی خواهیم کرد. این اولین باری نیست که چنین اتفاقی می‌افتد. بعد از یکی دو ماه که همه‌چیز وتو شد، آن‌ها احتمالاً بیایند و توافقی انجام خواهیم داد.»

ترامپ انتخابات را به چه کسی می‌بازد؟

بسیاری از نظرسنجی‌ها و گزارش‌های این روزها در رسانه‌های آمریکا و حتی اظهارات افرادی مثل اوباما، بیل کلینتون و کامالا هریس نشان می‌دهد که بحران معیشت این روزهای مردم آمریکا ناشی از جنگ علیه ایران و به دنبال آن بسته شدن تنگۀ هرمز است و اگر ترامپ و جمهوری خواهان امروز انتخابات را به دموکرات‌ها به خاطر این مسئله ببازند در واقع جدای از شکست در آوردگاه نظامی دومین شکستی خواهد بود که ترامپ از ایران این بار در آوردگاه سیاسی انتخابات متحمل می‌شود. بسیاری از کارشناسان و حتی خود نظرسنجی‌ها به صراحت معترف هستند که شکست ترامپ در جنگ ایران در جنگ علیه ایران تبدیل به یکی از موضوعات اصلی و تاثیرگذار انتخابات شده است. افزایش قیمت بنزین، گازوئیل، کود و مواد غذایی و تشدید فشار اقتصادی بر خانوارهای آمریکایی، نارضایتی از جنگ را به شدت افزایش داده و حتی بخشی از جمهوری‌خواهان را به فاصله گرفتن از ترامپ واداشته است تا از گزند ترکش‌های این شکست فضاحت‌بار در امان باشند. طبق نظرسنجی‌ها، بیش از ۷۰ درصد مردم آمریکا، ترامپ را بابت شروع جنگ علیه ایران و افزایش شدید هزینه‌های زندگی مقصر می‌دانند. خبرگزاری آسوشیتدپرس در جدیدترین ارزیابی خود از تاثیر جنگ بر انتخابات نوشته است که سیاست‌های دونالد ترامپ در جنگ افروزی علیه ایران و گرانی ناشی از جنگ و تعرفه‌های گمرکی، جمهوری‌خواهان را در رسیدن به اکثریت کنگره تهدید می‌کند. به گزارش مهر این خبرگزاری می‌افزاید که ارتباط جنگ و تعرفه‌ها با افزایش قیمت سوخت و مواد غذایی و تداوم تورم، نامزدهای جمهوری‌خواه را در موضعی تدافعی قرار داده است؛ زیرا برای آن‌ها دشوار است که مسئولیت این وضعیت را به گردن دولت‌های پیشین بیندازند یا از رئیس‌جمهوری فاصله بگیرند که از آن‌ها وفاداری می‌طلبد. آسوشیتدپرس به نقل از «دریک فان اوردن»، نماینده جمهوری‌خواه، نوشت که او اذعان کرده است جنگ علیه ایران، حفظ اکثریت حزبش در هر دو مجلس نمایندگان و سنا را دشوارتر می‌کند. بر اساس این تحلیل، این رویارویی ۸ ماه ادامه یافته، بی‌آنکه راهبرد روشنی برای پایان دادن به آن وجود داشته باشد؛ این در حالی است که ترامپ پیش‌بینی کرده بود جنگ ظرف چند هفته پایان یابد. شبکه سی‌ان‌ان هم در گزارشی با اشاره به فشار فزاینده هزینه‌های زندگی بر خانوارهای آمریکایی که به گفته کارشناسان بیشتر آن ناشی از جنگ علیه ایران است نوشته است: گرانی مسکن، مواد غذایی، بیمه، برق و خدمات درمانی، نارضایتی گسترده‌ای در میان مردم ایجاد کرده و به یکی از مهم‌ترین موضوعات انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا تبدیل شده است.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

پیشروی انقلابیون یمنی به سمت گلوگاه استراتژیک خلیج عدن



سرویس خارجی -

نیروهای انقلابی یمن با پیشروی گسترده در استان لحج و تسلط بر ارتفاعات مشرف به خلیج عدن، به نوار ساحلی از خور عمیره تا نزدیکی باب‌المندب نزدیک شده و کنترل مسیر استراتژیک دریای سرخ تا خلیج عدن را تقویت کرده‌اند، تحولی که با فروپاشی مواضع مزدوران سعودی، تصرف ده‌ها خودروی نظامی، حملات موشکی دقیق یمن و تأثیر مستقیم بر بازارهای مالی عربستان همراه بوده است.

فضاهای استراتژیک نه صرفاً نقاط جغرافیایی با اهمیت مادی، بلکه میدان‌هایی هستند که هویت‌ها، هنجارها و روایت‌های جمعی در آن‌ها بازتولید و بازتعریف می‌شوند؛ معنای «امنیت»، «مشروعیت» و «مقاومت» از خلال تعاملات گفتمانی و تجربه‌های تاریخی شکل می‌گیرد و بازیگران نه‌تنها بر اساس منافع ازپیش‌موجود، بلکه بر پایه تصوری که از خود و دیگری می‌سازند، عمل می‌کنند. در منطقه غرب آسیا، این فرایند به‌ویژه حول محور تقابل میان روایت‌های سلطه‌جویانه و گفتمان‌های مقاومت شدت گرفته است، جایی که هر پیشروی میدانی یا هر بازتعریف مرزهای نفوذ، بیش از آن‌که صرفاً تغییری در موازنه قدرت سخت باشد، نشانه‌ای از بازسازی هویت‌های جمعی و به چالش کشیدن هنجارهای مسلط نظم منطقه‌ای محسوب می‌شود. قدرت‌گیری یمنی‌ها در این فضای پرتنش را نمی‌توان صرفاً به انباشت توان نظامی یا بهره‌برداری از خلأهای ژئوپلیتیک فروکاست. آنان توانسته‌اند با بازتعریف هویت جمعی خود به‌عنوان سوژه‌ای مقاوم در برابر مداخله خارجی و تحمیل نظم سلطه‌آمیز، هنجارهای مشروعیت‌بخش تازه‌ای بیافرینند.

نزدیک شدن به نوار ساحلی

نیروهای صنعا با پیشروی در استان لحج و تسلط بر ارتفاعات مشرف به خلیج عدن، به خط ساحلی از خور عمیره تا نزدیکی باب‌المندب نزدیک شده‌اند. منابع نظامی و دریانوردی یمن گزارش داده‌اند که پس از کنترل ارتفاعات المضاربة، رأس العاره، طور الباحه، رشته‌کوه‌های الصبیحه و بخش‌های وسیعی از شهرستان القبیطه، جبهه کرش نیز در آستانه سقوط قرار گرفته است. این تحولات معادلات نظامی تازه‌ای در شمال غربی عدن ایجاد کرده و امکان رصد و هدف‌گیری تحرکات رژیم صهیونیستی در سومالی‌لند را در کرانه دیگر خلیج فراهم می‌سازد. تسلط بر این ارتفاعات، کنترل مسیر دریایی حدود ۱۰۰ کیلومتری از دریای سرخ تا خلیج عدن از طریق تنگه باب‌المندب را تقویت می‌کند.

فروپاشی مواضع مزدوران سعودی

پیشروی در منطقه طورالباحه همزمان با فروپاشی مواضع لشکر چهارم وابسته به حزب اصلاح (مزدوران سعودی) به فرماندهی ابوبکر الجبولی رخ داده است. ده‌ها خودروی نظامی و زرهی این نیروها مواضع خود را تخلیه کرده و از منطقه خارج شده‌اند. این تحولات پس از پیشروی نیروهای صنعا از محورهای حیفان و المقاطره و محاصره و اسارت شماری از گردان‌های تحت حمایت عربستان صورت گرفت. نیروهای یمنی حدود ۱۰۰ خودروی نظامی پیشرفته را نیز به تصرف درآورده‌اند.

تکمیل کمربند دفاعی غرب لحج

نیروهای صنعا با عملیات گسترده در چند محور، امنیت شهرستان‌های غربی استان لحج در دروازه‌های عدن را تکمیل کردند. گروه‌هایی از این نیروها پس از پیشروی از غرب المقاطره با نیروهای دیگر پیوستند و از شرق المضاربه و رأس‌العاره به سمت مرکز طورالباحه حرکت کردند. این سه شهرستان کمربند دفاعی غرب لحج محسوب می‌شوند. تسلط بر رشته‌کوه‌ها و ارتفاعات مشرف به سواحل حدفاصل باب‌المندب تا نزدیکی رأس عمران، دامنه عملیات را به روستاها و مناطق استقرار نیروهای اعزامی عربستان گسترش داده و کنترل بخش‌های گسترده‌ای از سواحل استراتژیک را نزدیک‌تر کرده است.

عقب‌نشینی و نگرانی در عدن

منابع نظامی در عدن از دستور نیروهای سعودی به یگان‌های «درع الوطن» مستقر در پایگاه العند برای تغییر موضع و انتقال تسلیحات سنگین به عدن خبر داده‌اند. افسران سعودی طی دو روز گذشته مقادیر زیادی تسلیحات پیشرفته را از این پایگاه خارج کرده‌اند. شماری از چهره‌های سیاسی جنوب یمن خواستار عقب‌نشینی فوری گروه‌های سلفی اعزام‌شده از سوی عربستان از جنوب باب‌المندب و بازگشت آن‌ها به اطراف عدن شده‌اند. این درخواست‌ها هم‌زمان با تجمعات شبانه در عدن مطرح شد که شرکت‌کنندگان در آن‌ها خواستار خروج نیروهای وابسته به عربستان و پایان نظامی‌سازی شهر برای جلوگیری از حملات هوایی بودند. حزب اصلاح نیز شورای انتقالی جنوب را به همکاری با دولت یمن متهم کرده است.

خنثی‌سازی تلاش‌های پیشروی وابسته به ریاض

یک منبع نظامی یمنی اعلام کرد نیروهای مسلح کشور موفق شدند تلاش عناصر وابسته به عربستان برای پیشروی به سمت باب‌المندب را خنثی کنند. این عناصر ضربات سنگینی متحمل شدند و تعداد زیادی از آن‌ها از جمله نیروهای سعودی کشته و زخمی شدند. شکست این تحرکات شکاف میان نیروهای وابسته ایجاد کرده، هرچند افسران سعودی همچنان تلاش دارند عملیات را تکرار کنند و به تلفات بی‌توجهی نشان می‌دهند. هم‌زمان منابع خبری از حمله موشکی جدید ارتش یمن به مواضع نیروهای مورد حمایت عربستان در استان لحج خبر دادند.

تأثیر عملیات‌ها بر بازارهای مالی سعودی

شاخص اصلی بورس عربستان حدود ۰.۸ درصد کاهش یافت و تقریباً تمامی سهام معامله‌شده با افت روبه‌رو شدند. سهام شرکت جبل عمر للتطویر پس از اعلام زیان خالص سنگین ۷.۳ درصد سقوط کرد و سهام شرکت معادن نیز ۲.۶ درصد کاهش یافت. تحلیلگران این افت را ناشی از حملات مکرر نیروهای مسلح یمن به منابع انرژی و زیرساخت‌های عربستان ارزیابی می‌کنند. گزارش‌های بعدی نشان داد شاخص کل به پایین‌ترین سطح در ماه‌های اخیر رسید، سرمایه‌گذاران خارجی فروش خالص قابل توجهی انجام دادند و ارزش بازار بورس سعودی از زمان تشدید عملیات‌ها بیش از ۱۷۵ میلیارد دلار کاهش یافته است. این روند نگرانی‌ها درباره اختلال در زنجیره تأمین و افزایش حق بیمه ریسک را تشدید کرده است.

حادثه دریایی نزدیک سواحل شرقی

سازمان عملیات تجارت دریایی انگلیس اعلام کرد یک کشتی در ۷۲ مایلی شرق رأس الخفجی عربستان هنگام حرکت در جنوب‌شرق خلیج فارس هدف دو پرتابه ناشناس قرار گرفت. خدمه کشتی در سلامت کامل هستند و خسارت زیست‌محیطی گزارش نشده است. این حادثه در حالی رخ می‌دهد که تحرکات نظامی و امنیتی در منطقه افزایش یافته است.

سعودی و ادامه بمباران گسترده غیرنظامیان

سخنگوی نیروهای مسلح یمن، سرتیپ یحیی سریع، یکشنبه شب، از ۷۵ حمله هوایی و موشکی عربستان طی ۲۴ ساعت گذشته علیه اهداف غیرنظامی در استان‌های صعده، تعز، عمران، إب، ذمار، لحج، الحدیده و الجوف خبر داد. جنگنده‌های اف-۱۵ و تایفون از پایگاه‌های خمیس مشیط و طائف و همچنین حملات موشکی از منطقه جیزان انجام شده و مجموع حملات از آغاز تشدید تنش‌ها به ۳۸۳۰ مورد رسیده است. عربستان شبکه ارتباطات جنوب‌شرق صعده، بندر رأس عیسی و یک کشتی تجاری مستقر در آن، تأسیسات شرکت نفت در باجل و دانشکده پزشکی دانشگاه الحدیده را هدف قرار داد که هفت غیرنظامی زخمی شدند. مقامات محلی الحدیده و هیئت ملی حقوق بشر یمن این حملات را جنایت جنگی و نقض آشکار قوانین بین‌المللی دانستند و عربستان را مسئول کامل اعلام کردند. وزارت خارجه دولت نجات ملی یمن نیز نسبت به تشدید حملات علیه غیرنظامیان هشدار داد و تأکید کرد مطالبات ملت یمن حقوقی مشروع و غیرقابل مذاکره است و پاسخ‌های دردناک در انتظار متجاوز خواهد بود.

هشدار صنعاء و پیام‌های تلویحی ریاض

وزارت خارجه یمن با محکومیت تشدید حملات عربستان علیه اهداف غیرنظامی تأکید کرد این اقدامات با پاسخ‌های دردناک مواجه خواهد شد و ملت یمن در گیر نبردی سرنوشت‌ساز شده که طرف متجاوز هیچ حرمتی برای قوانین بین‌المللی قائل نیست. هم‌زمان روزنامه سعودی الجزیره در سرمقاله‌ای به قلم خالد بن حمد المالک با عنوان «در محاسبات خود تجدیدنظر کنید» به‌صورت تلویحی خواستار همکاری کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله بحرین شد و به نقش عربستان در حفاظت از منامه در سال ۲۰۱۱ اشاره کرد. این اظهارات در شرایطی منتشر شد که اختلافات درونی میان ریاض و برخی متحدان منطقه‌ای از جمله امارات بر سر پرونده یمن آشکارتر شده و تحلیلگران نظامی هشدار داده‌اند گروه‌های جنوبی هم‌پیمان عربستان ممکن است در نبرد باب‌المندب به قربانی تبدیل شوند.

دولت آلمان اعتراضات گسترده در این کشور را گردن «چپ‌های اف